

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۲۰ اکتوبر ۲۰۱۱

فرهنگ وحشت و کشتار سرداران

جنگی عرب

۴

سوره توبه آیت ۷۳: «ای پیامبر باکافران و منافقان جهاد کن و بر آنها سخت بگیر. جایگاه شان جهنم است. و چه بد سر نوشتی دارند.»

یکی دیگر از چهره‌های خشن و آدمکش اسلامی سعید بن عثمان فرزند خلیفه سوم اسلامی متوفی سال ۶۲ هجری است. مادرش ام عبدالله فاطمه بنت ولید بن مغیره بن عبدالله بن عمر بن مخزوم است که در جریان کشته شدن عثمان او هم با او کشته شد. سعید بن عثمان بن عفان را در تاریخ اسلام یکی از **فاتحین مشهور و شجاع** ذکر نموده اند. در زمان خلافت پدرش در جنگها شرکت می کرد و بعد از مرگ پدرش به معاویه پیوست و معاویه او را والی خراسان مقرر نمود پیش از او عبدالرحمن بن زیاد والی خراسان بود. او بعد از ورود به خراسان به سرعت بخارا را فتح و به سوی سمرقند لشکر کشید و آن را فتح کرد همکار نز دیک او در این کشتار قتم بن عباس بود که در سمرقند کشته شد. او در فتوحات خویش در بخارا، سمرقند و تخارستان **انسان بسیار کشته و جنایات بیشماری را مرتکب شد و خود را به ماوراالنهر رسانید.** و بعداً گرگان را فتح و **خراجی که بر آنها گذاشت ده میلیون درهم** بود.

او آدم **حریص و بخیل** بوده و به جمع آوری مال مردم در سرزمین‌های مفتوحه کوشش زیاد داشت. همین **چپاول اموال مردم باعث شد** که معاویه او را از ولایت خراسان باز طلبید و عوض او اسلم بن زرعه کلای را که رئیس خراج ولایت خراسان بود، تعیین نمود و سعید از او کینه داشت چون اسلم پول‌های زیاد خراج جمع آوری شده را به سعید نمی داد و آن را به عبیدالله بن زیاد که امیر بصره بود می فرستاد. سعید بعد از مرگ معاویه به یزید پیوست. او برده های زیادی از ممالک مفتوحه آورده بود و تعدادی از این برده ها که سغدی بودند روزی در خانه سعید وارد و او را کشتند طرفداران سعید خانه را احاطه نموده و خواستد سی نفر برده قاتل را دستگیر نمایند همه آن‌ها خود

کشی نمودند.

عبدالله بن حباب یکی از اصحاب محمد در ماه رمضان در حالی که روزه داشت و قرآن در گردنش آویزان بود از طرف مسلمانان کشته شد و برایش گفتند: همان قرآنی که در گردن داری به ما حکم می کند که ترا بکشیم؟؟ و همسر او را که **حامله هم بود شکم دریدند**. (کشف الارتیاب ص 97) سپاهی به فرماندهی اسامه برای حمله و تاراج به سوی قبیله بنی ضمره فرستاده شده بود. آنان در راه با مردی به نام مرداس بن نهیک بر خورد کردند که همراهش گوسفندان و شتر سرخ موی بود. وقتی مرداس آن‌ها را دید به غاری پناهنده شد و اسامه هم دنبالش رفت وقتی مرداس به کوه رسید گوسفندان خود را آنجا گذاشت و بعد به طرف سپاه اسامه رفت و گفت (اشهد ان لاله الله و اشهد ان محمدا رسول الله) اما **اسامه توجهی به او نکرد و به خاطر گوسفندان و شترش سر او را برید**. الدر المنثور ج ۲ ص ۳۵

در باره مالک بن نویره، بن حجر عسقلانی در کتاب «الا صابه ج ۵ ص ۵۶۰» ترجمه و می گوید: مالک بن نویره شاعر و یکی از شخصیت‌های برجسته و جنگجو بود و جز نام آوران بنی یرموع در جاهلیت بود و بعد از مسلمان شدن محمد اور را به رهبری قبیله اش گماشت «تاریخ طبری ج ۲ ص ۵۳۰» جنایات و آدمکشی های بیشتری را از خالد بن ولید در نوشته بعدی ملا حظه خواهید فرمود. او (خالد) آنقدر **وحشی و خونخوار بود** که در زمانی که سوار کار و طر فدار قریش بود و به ضد محمد شمشیر می زد محمد چنان آرزوی سخت داشت که اگر روزی او در جمله لشکر یان او باشد

شخصی دیگری که از قصی القلب ترین جانیان اسلام بود محمد بن معتضد متخلص به قاهر بود که پس از مرگ مقتدر خلیفه عباسی به خلافت رسید و هنوز سالی نگذشته بود که سپاه او طغیان نمودند و بزرگان دولت و مونس فرمانده سپاه و بن مقله وزیر به خلع وی و نصب یکی از فرزندان مکنتی هم سخن شدند اما خبر به قاهر رسید که همه را بگرفت و **بکشت و نامزد خلافت را میان دو دیوار گل کرد**. قاهر به سختی و **سنگدلی شهره** بود و همیشه زوبینی (نیزه کوتاه) باخود داشت و چون می‌نشست آنرا پیش رو می نهاد و با هر که **خشم می کرد در دم او را با زوبین می کشت**.

شاه دو شمشیره ولی :

در کتاب (سیطره ۱۴۰۰ ساله اعراب بر افغانستان) به نقل از مرحوم کهزاد مبتنی بر کتاب بالا حصار کابل و پیشامد های تاریخی روایت می‌شود که : در سال ۸۰ هجری عبدالرحمن بن اشعث سردار لشکر طوسان چهل مرد جنگی «البته چهل هزار درست است» را تحت قیادت لیث بن قیس بن عباس مأمور حمله بر کابل کرد و این فرمانده عرب از فرط قهر و غضب دو شمشیر در دو دست گرفته و پیشاپیش سپاه خود جنگ کنان به کابل داخل شد و هر کسی **جلو شمشیرش می‌آمد کشته می شد**. او **مرد قهار و دیوانه مزاجی** بود که از **کشتن دیگران لذت می برد** اما با ضربه سر نیزه ای دلیر مردی از کابل فرش زمین شد و دیگر **دستان خون آلودش** از کشتن باز ماند در حالی که از حدود دهمزنگ با مدخل کوه شیر دروازه تا مسجد شاه دو شمشیره «فعلی» در فاصله یک کیلو متر او صد ها تن از مدافعان فدا کار را که از سرزمین آبائی و نوامیس ملی خود دفاع می نمودند گردن زده بود. جسد او را در کنار رود خانه کابل به خاک سپردند بعد ها مقبره او به مزار «شاه دو شمشیره» معروف گشت .

اما از یادداشت های حافظ نورمحمد کهگدای چنین بر داشت می‌شود که (در سال ۲۸ یا ۳۲ هجری در زمان خلافت عثمان مسلمین به سر کردگی عبدالرحمن بن سموره از طریق غزنی به کابل حمله کردند و در کابل کسی به نام اعرج حکومت می کرد عبدالرحمن شهر را محاصره و اعرج دستگیر و با قبول سالانه یک میلیون درهم خراج به

حضور عبدالرحمن مسلمان گردید و عبدالرحمن تمیم بن قیس و جبیر را با چندی در کابل گذاشته و رفتند. زمانی که عثمان کشته شد اعرج هم فوت شده بود و جبیل شاه کابل شده بود از تأدیة خراج ابا ورزید و تمیم و جبیر را با اصحاب شان در همین منطقه فعلی که به نام **شهدای صالحین** یاد می‌شود کشت. در سال ۷۹ قمری در زمان عبدالملک مروان حجاج بن یوسف ثقفی که حاکم سیستان بود به کابل آمد که رتبیل یا زنتبیل بن جبیل شاه کابل بود. جنگ در گرفت و حجاج شکست خورد و در تنگنای کابل اکثراً اسیر و کشته شدند. بقایای مسلمین به علاوه تلفات هفت لک در هم برای کابل شاه داد و خود را زنده بیرون کشیدند. دو سال بعد عبدالملک به سر کردگی عبدالرحمن بن اشعث برای فتح کابل با یک فوج بزرگ وارد کابل شد. رتبیل هراسان شده و توسط اهالی کابل و عساکر دوردور شهر دیوار بزرگی با بروج و در های محکم اعمار کرد که بقایای آن تاهنوز در پهنای شیر دروازه و آسمائی موجود است. قشون اسلام بعد از فتح سیستان، بست و قندهار به غزنی رسید.

عبدالرحمن برای فتح غزنی معطل شد و قسمتی از قشون خود را به سر کردگی **لیس بن قیس بن عباس** برای فتح کابل فرستاد وقتی که لیث با لشکر خود در پای دیوار رسیدند چند موضع دیوار را از حد معبر دهمزنگ سوراخ نموده داخل شهر گردیدند جنگ شدیدی در گرفت و اگر در همین اثنا عبدالرحمن بعد از فتح غزنی به کابل نمی رسید تمام لشکر اسلام قتل می شدند و شهر کابل فتح گردید عبدالرحمن لیث را که کشته شده بود در همین جایی که اکنون به شاه دو شمشیره معروف است دفن کرد چون **لیث با دو شمشیر جنگ می کرد** به دو شمشیره مشهور شد و عبدالرحمن اولین مسجد را در پهلوئی قبر لیث آباد نمود)

آقای کهگدای منبع و مأخذی ارایه نداشته اند به احتمال قوی لیث بن قیس یکی از **دیوانگان تشنه به خون و یک تن از جانیان و چپاول گران عرب** بوده که **دیوانه وار با دو شمشیر به کشتن آبا و اجداد** ما مشغول بوده است و این که افوهای در مورد است که او سر بریده خود را زیر بغل داشته و باز هم انسان می کشت. (وولی زمان بود). این مسأله را می توان از شهکار های دماغی عرب زده های خود ما دانست چون آنها آنقدر در لنجزار بد بختی های فرهنگی اجانب غرق شده بودند که هر دیوانه و جانی را زیاد تر از خود عربها مقام و احترام قایل شده و به شخصیت های چنین آدمها شکل رو حانی داده و می دهند تا باشد که نسل های بعدی در این گرداب خرافات غرق شده و از اسلام و نوکران اسلام به نام نیک یاد نموده و خدمت گذار عرب شوند و به یقین کامل می توان گفت اگر این نسل جوان که آینده سازان مملکت ما هستند خود را با سلاح دانش و علم مجهز نسازند و جلو گستردن این خرافات را نگیرند، باید چنین پیش بینی نمود که در آینده قریب منطقه بغلان، کندز، امام صاحب، مزارشریف و توره و بوره که جسد صد ها لاشخور عربی در آنها دفن است زیارت گاه هائی برای مردم ما خواهد گردید و هر لاشه گندیده آنها بیرق خواهد داشت و محل زیارت و گریه و زاری مردم خوش باور ما خواهد شد

ادامه دارد